

## مقوله نظارت، در فقه شیعه و ظهور آن در نظام حقوقی ایران

علی غلامی<sup>۱</sup>

علیرضا نورآبادی<sup>۲</sup>

### چکیده

بدون شک، نظارت امری ناگزیر در نظام های سیاسی پیچیده ی امروز تلقی می گردد ولی نحوه ی بروز و ظهور آن در نظام های گوناگون متفاوت است. از منظر فقه شیعه حاکمان از عصمت برخوردار نبوده و به خاطر احتمال خطا مشمول نظارت می شوند. قرآن و سنت به انحاء گوناگون، نظارت را مورد بررسی قرار داده است. ابعاد نظارت در فقه شیعه به چهار مقوله ی 1- کسب 2- اعمال 3- توزیع و 4- گردش قدرت تقسیم می شود. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز نظارت به شیوه های گوناگون اعمال می شود، از جمله: نظارت بر رهبری، نظارت ولی فقیه بر قوای سه گانه و نهادهایی چون شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، نظارت شورای نگهبان، نظارت مجلس شورای اسلامی از طریق دیوان محاسبات و دادن رأی اعتماد و همچنین نظارت قوه ی قضاییه از طریق دیوان عدالت اداری و... علاوه بر این هر یک از قوا نیز دارای مکانیسم نظارت درونی هستند.

**واژه های کلیدی:** نظارت، فقه سیاسی شیعه، قانون اساسی ایران، ولایت فقیه

### مقدمه:

بروز فساد و سوء استفاده ی صاحبان قدرت از امکاناتی که در دست داشتند، سبب شد تا ذهن اندیشمندان جهان از همان ابتدا به سوی یک مقوله ی مهم به نام نظارت برود تا به وسیله ی آن نسبت به تحدید قدرت و ملزم کردن حاکم به رعایت اصول انسانی اقدام نمایند.

نظام سیاسی اسلام در عین این که قدرت را ذاتا شر ندانسته و از مقوله ی حکومت رخ برنتابیده است، ولی فراهم بودن بستر قدرت به جهت سوء استفاده از آن را مورد تأکید قرار داده است: هر که فرمانروا شود به استبداد گراید و هر که خودکامگی پیشه کند، به هلاکت رسد. (نهج البلاغه، حکمت 152)

غرب نیز در پی شناخت ماهیت قدرت و هم چنین تأثیر آن بر صاحبان قدرت، ضمن سپردن امور جامعه به دست حاکم، ضرورت تحدید قدرت و نظارت بر آن را در دستور کار خود قرار داده، بر این باور بودند تجربه

<sup>1</sup> عضو هیئت علمی و استادیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

<sup>2</sup> دانش آموخته ارشد معارف اسلامی و حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

های همیشگی نشان داده هر انسان صاحب قدرتی به سوء استفاده از قدرت خود گرایش دارد و آن قدر به پیش می تازد تا به حد و مرزی برخورد. (قاضی، 1386، ص 180) همین رویکرد به حاکمیت، زمینه ی تفکیک قوا را در منظر اندیشمندان غربی از جمله منتسکیو به وجود آورد.

این نوع نگاه به قدرت و حاکمیت ضرورت نظارت بر قدرت و کیفیت آن را امری اجتناب ناپذیر در نظام های سیاسی پیچیده ی امروز قرار داد و باعث شد نظارت از اساسی ترین پرسش ها در حوزه ی حاکمیت و فلسفه ی سیاسی محسوب شود و هر فرد، گروه و یا مکتبی به این پرسش پاسخ داده، راهکار و سازوکاری را که برای تحدید قدرت واقع می شود پیشنهاد کرده است (ایزدهی، 1387، صص 20-17) ما در این مقاله سعی داریم بعد از تبیین مفهوم نظارت، جایگاه آن را در فقه امامیه و هم چنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران روشن سازیم تا موجبات تفکر درست در این حوزه را بر اساس مبانی اسلام فراهم آوریم.

### **مفهوم نظارت:**

نظارت مفهومی جامع و شامل است که در علوم مختلفی از جمله علوم اجتماعی، حقوق، سیاست و مدیریت تعاریف خاص خود را دارد و کارآمدی آن را نسبت به حوزه ی مد نظر بیان می کند. اما آن چه ما در این مقاله در پی آن هستیم، نظارت در حقوق و مصادر آن می باشد.

نظارت در اصطلاح فقهی عبارت است از حقی (به معنای اعم) که فرد یا جمعی به مقتضای شرع (قانون) و یا صاحب اختیاری برای کنترل و عیب یابی کار مورد اهتمامی، آن را به دست آورد و به عنوان ناظر منصوب می شود. (عمیدزنجانی و موسی زاده، 1389، ص 14) این تعریف رویکرد فقه نسبت به نظارت را بیان می کند که مورد اهتمام شارع بوده است. در همین راستا برخی از اندیشمندان حقوق اساسی انطباق کارهای انجام شده با قانون در راستای جلوگیری از انحراف را معنای نظارت معرفی کرده اند: بررسی و ممیزی و ارزشیابی کارهای انجام شده یا در حین انجام و انطباق آن ها با تصمیمات اتخاذ شده و هم چنین با قانون و مقررات در جهت جلوگیری از انحراف اجرایی. (قاضی، 1385، ص 352)

این تعاریف بیانگر اهمیت نظارت در حوزه ی حقوق اسلامی می باشد و لزوم پایبندی به اصول و مبانی (قانون) را اصلی ترین مقوله نظارت می دانند. از این روست که مهمترین کاربرد نظارت در امور سیاسی و در ارتباط با حاکمیت است که همان کنترل قدرت و جلوگیری از سوء استفاده از آن می باشد.

### **نظارت در منابع اسلامی:**

نظارت در فقه شیعه از اهمیت به سزایی برخوردار می باشد. لزوم تبعیت از قانون الهی و مسؤول بودن در برابر آن از اولین گام های اسلام برای تحقق نظارت بر قدرت می باشد. علاوه بر این رفتار و اعمال حاکمان

دائم در رصد مردم بوده است و نگاه الگو گیری نسبت به آن وجود دارد تا آن جایی که صلاح حاکمان، صلاح مردم را در پی داشته و آن ها را در عمل به قوانین ترغیب می کند. ( نهج البلاغه، خطبه 207 ) از این رو بر آن شدیم تا به تبیین این نگاه نظارتی در کتاب الهی و سنت نبوی و علوی بپردازیم تا زوایای پنهان مقوله ی نظارت در حکومت اسلامی بهتر روشن گردد.

1. کتاب الهی: گرچه اصل نظارت بر قدرت سیاسی به طور مستقیم در قرآن مورد بحث قرار نگرفته است اما بحث از مبانی و ادله ی کنترل، نظارت و تحدید قدرت در قالب آیات زیادی به چشم می خورد. این آیات به سه دسته ی مهم تقسیم می گردند:

1-1 مبانی پیشگیری از استبداد: عواملی چون برابری همگان در برابر قانون در این حوزه قرار می گیرد. بر اساس این آیات، حاکمان، افرادی مستثنای از قانون نبوده و نه تنها در این مورد با دیگران مساوی هستند بلکه به خاطر نوع مسؤولیتشان باید نسبت به عملکرد خویش پاسخگوتر باشند.

1-2 اهداف نظارت: آیاتی که به تحکیم غایات نظارت اهتمام ورزیده در صدد استقرار این اهداف، غایات و آرمان ها در جامعه و از بین رفتن اسباب سوء استفاده از قدرت هستند که از آن میان می توان به آیاتی اشاره کرد که به عدالت ورزی عنایت دارند. بدین معنا که حاکم به بهانه ی حاکمیت نمی تواند از عمل بر طبق موازین عدالت شانه خالی کند. همچنین آیاتی که به نکوهش ظلم و امور منکر پرداخته و عدم اطاعت از ظالمان را در دستور کار قرار داده است.

1-3 راهکارهای نظارت: پاره ای دیگر از آیات به راهکارهای نظارتی می پردازد و در این میان فریضه ی مهم و محوری امر به معروف و نهی از منکر از اساسی ترین راهکارها به شمار می رود. یکی از مهم ترین عواملی که اسلام تأکید فراوان در حوزه ی حکومت بر آن دارد نظارت درونی است که خود وجه ممیز نظام حکومتی اسلام با سایر نظام های حکومتی می باشد. مقولاتی چون ذکر اوصاف حاکم یعنی تقوا، ورع، صداقت و نفس لوامه از راهکارهای نظارت درونی به شمار می روند. ( ایزدهی، 1387، صص 51-47)

2. سنت: از جمله منابع اصیل نظارت و کنترل قدرت، سیره ی معصومین می باشد. با توجه به این که بحث نظارت به طور عمده در باب حکومت و حاکمان مطرح می شود، در این باب می توان به سیره ی پیامبر گرامی اسلام صلی الله و علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام استناد کرد.

1-2 سیره نبوی: پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله و سلم نظارت مردم بر حاکمان را واجب دانسته و ضمن سوق دادن همگان به این امر، راهکارهایی را نیز در این خصوص ارائه نموده اند:

1-1-2 انتقاد مردم از حاکمان

2-1-2 مشورت حاکمان با مردم

3-1-2 امر به معروف و نهی از منکر

4-1-2 عدم اطاعت حاکم در معصیت

5-1-2 مساوات همه ی افراد در برابر قانون (ایزددهی، 1387، ص 52-51)

2-2 سیره علوی: امیر المؤمنین علیه السلام حاکم را فوق قانون محسوب ننموده و همان گونه که وی را در برابر خداوند پاسخگو می دانسته در برابر مردم نیز پاسخگو بر شمرده است. مؤلفه های ذیل برخی از ادله ی مشروعیت و وجوب نظارت بر قدرت است که با عنایت به سیره ی عملی و کلامی آن حضرت از نظر می گذرد:

1-2-2 نگاه به حکومت به عنوان امانت الهی

2-2-2 نقد حاکم در راستای نظارت مستقیم مردمی

3-2-2 مردم مداری و نقش اراده های مردمی در حکومت

4-2-2 حقوق مردم نسبت به حکومت در قبال تکالیف آن ها در برابر حکومت. (ایزددهی، 1387، ص 53-52)

این سیره در تمام مراحل زندگی ائمه معصومین علیهم السلام وجود داشته است که بروز و ظهور آن در دوران پیامبر اسلام صلی الله و علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام بوده است. سیره ای که برگرفته از منبع وحی و کتاب الهی بوده است و شمای یک حکومت دینی کامل و صحیح را به مسلمانان ارائه می دهد.

### مراحل نظارت:

نظارت امری فراگیر و همه جانبه می باشد و بر تمامی مراحل قدرت اعمال می شود. از آن جایی که جریان حکومت به چهار مقوله ی کسب قدرت، اعمال قدرت، توزیع قدرت و گردش قدرت تقسیم می شود، نظارت نیز به طبع باید در این چهار مرحله صورت پذیرد.

1. نظارت در مرحله ی کسب قدرت:

نظام سیاسی شیعه فرایند کسب قدرت را به گونه ای تنظیم کرده است که مطابق آن حاکمیت به مقدار زیاد از خلاف و فساد فاصله گرفته و این فرایند می تواند سلامت نظام سیاسی و حکومت را تأمین نماید. نظارت در این مرحله به چهار قسمت تقسیم می شود:

1-1 جعل اوصاف خاص برای حاکم: با توجه به این که حاکمی بد نهاد و بد کردار در رأس هر نظامی موجب فساد در ارکان و کارگزاران آن حکومت می شود لذا نظام اسلامی با در نظر گرفتن اوصافی خاص برای حاکم، وی را از انجام هر عمل فاسدی باز می دارد. بعضی از این اوصاف از این قرار است:

1-1-1 علم و آگاهی به اسلام

2-1-1 عدالت

3-1-1 تقوا

2-1 انتخاب کارگزاران شایسته: جدا از نوع اوصافی که حاکم در حکومت اسلامی باید دارا باشد، باید گفت گزینش کارگزار شایسته جهت گماردن به منصبی از مناصب حکومتی از اصول اولیه ی نظام سیاسی شیعه بوده و شایسته سالاری در این میان از اهمیت بسیاری برخوردار می باشد. امیر المؤمنین <sup>علیه السلام</sup> در مورد گماردن چنین افرادی در مناصب حکومت بیان می دارند: گماردن افراد پست و نوکیسه بر حکومت ها، نشانه ی نابودی و عقب گرد آن هاست. (به نقل از شرح غررالحکم، ج3، ص295)

3-1 بیعت: در فرایند بیعت، مردم در انتقال قدرت به حاکمان دخیل شده و با بیعت مردم قدرت به صورت کامل به حاکم منتقل می شود. از این رو بیعت می تواند از عناصر نظارت تأسیسی نسبت به حاکم تلقی شده و در این محدوده کارآیی داشته باشد.

4-1 آرای عمومی: در این فرایند، مردم با واسطه یا به صورت مستقیم کسی را به منصب حاکمیت برمی گزینند که از بهترین اوصاف برخوردار باشد. در این نظارت سعی بر آن است تا با اعتماد به رأی اکثریت مردم، از ورود افراد نااهل به مناصب حکومتی جلوگیری شود. (ایزددهی، 1387، ص104-60)

2. نظارت در مرحله ی اعمال قدرت:

نظام شیعه علاوه بر راهکارهایی که برای نظارت بر حاکمان در مرحله ی کسب قدرت پیش بینی کرده، از نظارت بر آنان در مرحله ی اعمال قدرت غفلت نکرده و به همین منظور راهکارهایی را ارائه کرده است. بعضی از این راهکارها به این شرح است:

2-1 اصل پاسخگویی حاکم در برابر مردم: در پاسخ به این سوال که آیا مردم حق نظارت بر قدرت سیاسی را دارند یا خیر؟ باید گفت: گرچه با وجود مقوله‌ی عصمت، امکان سوء استفاده‌ی حاکمان از قدرت منتفی است ولی با توجه به این که حاکمان و منصوبان امام معصوم از ویژگی عصمت برخوردار نیستند، امکان نظارت مردم برای جلوگیری از سوء استفاده از قدرت وجود دارد.

2-2 نظارت درونی: این نظارت اقتضا دارد که صاحبان قدرت بر اساس ویژگی‌های معنوی خود دست به فساد و تباهی نزنند و رضایت الهی را مقدم شمارند. نظارت درونی به معنای مراقبت شخص از خود در برابر گناه، به واسطه‌ی صفات و ملکاتی است که انسان در خود ایجاد می‌کند. در نظارت درونی دو مقوله‌ی مهم وجود دارد:

2-2-1 ویژگی‌های نظارت درونی:

2-2-1-1 عامل مهار درونی قدرت، در باطن فرد قدرتمند وجود دارد.

2-2-1-2 عامل نظارت درونی قدرت موجب خودمهاری فرد قدرتمند می‌شود.

2-2-1-3 مهار درونی قدرت، دائما مرزهای ممنوعه‌ی اعمال قدرت را در منظر قدرتمندان قرار داده و آنان را از ورود به منطقه‌ی ممنوعه‌ی مزبور باز می‌دارد

2-2-2 راهکارهای نظارت درونی: نظام سیاسی اسلام برای جلوگیری از انحراف حاکمان علاوه بر جعل اوصاف خاص برای حاکمان آنان را به محاسبه‌ی نفس یا خودکنترلی توصیه کرده است و با کوچک جلوه دادن نعمت‌های دنیوی در مقابل نعمات اخروی، حاکمان را به عدم دلبستگی به قدرت و عدم سوء استفاده از آن سوق داده است.

2-3 نظارت بیرونی: جدا از نظارت درونی، نظارت بیرونی نیز در دستور کار اسلام قرار دارد. مؤلفه‌هایی مانند شورا، امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت در قدیم و حزب و مطبوعات در زمان جدید از راهکارهای نظارت بیرونی به شمار می‌رود.

2-4 محدوده‌ی نظارت: در مورد محدوده‌ی نظارت بر حاکمان در مرحله‌ی اعمال قدرت باید به چند نکته توجه شود:

2-4-1 اعمال نظارت در محدوده‌ی خاص بوده و تمام شؤون زندگی فردی و اجتماعی فرد را شامل نمی‌شود.

2-4-2 محدوده ی نظارت بر حاکمان، تابع قدرت آن هاست و هر چه قدرت زیادتر باشد ضرورت نظارت نیز گسترش می یابد. (ایزددهی، 1387، صص 191-105)

### 3. نظارت در مرحله ی توزیع قدرت

نظارت بر قدرت در فقه شیعه محدود به مراحل کسب و اعمال قدرت نشده و در مرحله ی توزیع قدرت نیز ادامه می یابد. برای نظارت در این مرحله مکانیسم های گوناگونی وجود دارد:

3-1 تفکیک قوا: تفکیک قوا از جمله راهکارهایی است که در نظام سیاسی پیش بینی شده و ضمن طبقه بندی وظایف و مسؤولیت های قوا و نهادهای حکومتی، از انفصال و پراکندگی دستگاه های حکومتی و مهم تر از همه از تمرکز قدرت در دست یک شخص یا گروهی اقلیت جلوگیری می نماید (به نقل از عمید زنجانی، 1387، جلد 1، ص 113).

3-1-1 تفکیک قوا در نظام سیاسی شیعه: برخلاف سایر نظام های سیاسی که حق حاکمیت را اولاً و بذات بر عهده ی مردم می دانند و خاستگاه مشروعیت حکومت و حاکمان در انتخاب مردمی جستجو می کنند، نظام سیاسی شیعه این حق را تنها از آن خدا دانسته و خاستگاه مشروعیت حاکمان را نیز در انتخاب الهی می داند. ادله ای که به انتصاب ولی فقیه برای حاکمیت سیاسی بر امور جامعه در عصر غیبت می پردازد، مفید حرمت واگذاری حکومت به مثلی از سه قوا در رأس نظام سیاسی شیعه در عصر غیبت است. بر این اساس حاکمیت، در نظام سیاسی اسلام بر عهده ی ولی فقیه می باشد و او بیز می بایست در اداره ی صحیح جامعه از افراد متخصص و کاردان استفاده نماید. این افراد که در قالب قوای سه گانه جای می گیرند، به عنوان کمک و یاوران وی در اداره ی جامعه محسوب می شوند.

3-2 نظارت بر کارگزاران (قوه ی مجریه): با توجه به این که قوه ی مجریه از نفوذ و اختیارات بیش تری نسبت به سایر قوا برخوردار است. از آن جایی که در نظام اسلامی، قوه ی مجریه به عنوان کارگزار رهبری انجام وظیفه می کند، در وهله ی اول، حاکم اسلامی در راستای نظام ولایی باید بر کارهای این قوه نظارت داشته باشد و از سویی دیگر مردم نیز بر این قوه نظارت نموده و عملکرد آن را زیر نظر بگیرند.

3-3 قوه مقننه: در نظام اسلامی، قوانین باید از شریعت الهی اخذ شده و به خداوند منسوب باشد و این از اموری است که نظام اسلامی را از سایر نظام ها متمایز می کند. بر اساس منطق اسلام،

قانونگذاری از اموری است که به خداوند اختصاص داشته و هیچ کس نمی تواند در عرض خداوند به جعل حکم پردازد.

3-4 قوه قضائیه: قوه ی قضائیه از ارکان قوی نظارتی در تمام جوامع محسوب شده و ضمانتی جهت سلامت جامعه و نظام سیاسی از مفاسد و اعمال خلاف قانون محسوب می شود و ضمن این که به حل خصومت ها و دعاوی می پردازد، به عملکرد کارگزاران و قوه ی مقننه نیز نظارت داشته و در بسیاری از جوامع وظیفه ی پیشگیری از جرم را نیز بر عهده دارد. (ایزددهی، 1387، صص 192-254)

4. نظارت در مرحله ی گردش قدرت:

نظارت در این مرحله که در قالب استیضاح، برکناری و عزل از قدرت خودنمایی می کند؛ ضمانتی برای نظارت در سه مرحله ی قبل نیز محسوب می شود. این نظارت در دو وجهه مورد توجه قرار می گیرد:

4-1 حاکم: حاکم اسلامی برای تصدی این مقام باید دارای صفات و ویژگی های خاصی باشد. این صفات نه تنها در بدو مسؤولیت، بلکه در تمام دوران تصدی مسؤولیت باید وجود داشته باشد که اگر از فرد سلب شود فرد دیگر لیاقت این مسؤولیت را ندارد. این نظارت بر عهده ی خبرگان می باشد.

4-2 کارگزاران: اگر چه عزل رهبری در نظام ولایت فقیه مبتنی بر مبنای خاصی است و جز در شرایط خاص انجام نمی پذیرد، اما عزل کارگزاران در صورت صلاحدید رهبری؛ با مشکل خاص همراه نیست و حاکم می تواند منصوبین خود را در صورت خطا و سوء استفاده و یا حتی در صورت صلاحدید و بدون حصول خطا و اشتباه از مقامشان عزل کرده و فرد دیگری را به جای آن ها بگمارد. (ایزددهی، 1387، صص 255-282)

### نظارت در نظام حقوقی ایران:

آنچه گذشت نگاهی گذرا به مقوله ی نظارت در فقه سیاسی اسلام بود. از آن جایی که زیر بنای اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران قوانین و مقررات اسلام می باشد و این امر به طور صریح در اصل 4 قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است، نگاهی به ظهور و بروز مبحث نظارت در حقوق اساسی ایران داریم تا با تطبیق آن با مقوله ی نظارت در فقه، به نگاهی جامع نسبت به این اصل مهم اسلامی برسیم.

#### 1. نظارت بر نهاد رهبری:

از تفاوت های بنیادین نظام ایران با سایر نظام های حقوقی، مشروعیت حکومت و جایگاه رهبری است. ولایت فقیه مفهومی نهادینه شده در قانون اساسی ایران می باشد که شیوه ی حکومتی نوینی را پدید آورده است. از این رو نظارت بر این جایگاه از اهمیت بالایی برخوردار می باشد. دو راهکار نظارتی مهم در قانون اساسی برای نهاد رهبری وجود دارد:



1-1 خبرگان رهبری: خبرگان نمایندگان منتخب مردم هستند که به عنوان متخصص و خبره در انتخاب رهبر و نظارت بر اقدامات و تصمیمات او انجام وظیفه می کنند. اصل 111 قانون اساسی وظایف خبرگان را این چنین بیان می کند: هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر بر عهده ی خبرگان مذکور در اصل یکصد و هفتم می باشد.

بررسی وجود یا فقدان شرایط رهبری توسط مجلس خبرگان مستلزم نظارت مستمری است که این مجلس آن را انجام می دهد. به موجب ماده ی یک مصوبه ی مجلس خبرگان راجع به اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی: به منظور اجرای اصل 111 قانون اساسی، خبرگان .... از میان اعضای خود هیأت تحقیقی را مرکب از هفت نفر برای مدت دو سال با رأی مخفی انتخاب می نمایند تا به وظایف مذکور در این قانون عمل نمایند. افراد هیأت باید فراغت را برای انجام وظایف محوله داشته باشند و شاغل سمت های اجرایی و قضایی از جانب مقام رهبری نبوده و از بستگان نزدیک وی نیز نباشند.

خبرگان نه تنها وظیفه ی تعیین شخص واجد شرایط رهبری را بر عهده دارند بلکه در طول دوران تصدی بر اعمال و اقدامات وی نظارت می نمایند تا در صورت فقد شرایط لازم، اقدام به تصمیم گیری و اعلام موضع نمایند.

1-2 مردم: جامعه ی اسلامی متشکل از مردم است و اساساً تحقق حکومت اسلامی با خواست و بیعت مردم صورت می گیرد و مردم در حکومت نقش فعال دارند تا آن جا که اداره ی امور باید مبتنی بر آراء عمومی باشد. (اصل 6)

مردم جدای از این که به طور غیر مستقیم در انتخاب رهبر و هم چنین نظارت بر او نقش دارند، (اصل 107) براساس اصل هشتم قانون اساسی می توانند به طور مستقیم بر اعمال رهبر نظارت داشته باشند و براساس وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر، نسبت به اعمال حاکم اقدام نمایند. علاوه بر این یکی از شرایطی که موجب تحقق و عینیت بخشیدن به حکومت فقیه جامع الشرایط می گردد، اقبال عامه و خواست مردم است. لذا حکومت باید تلاش نماید با رسیدگی به امور عامه، رضایت آن ها را مطابق معیارهای شرعی جلب نماید. (نجفی اسفاد و محسنی، 1386، ص 121)

جدا از نظارت خبرگان و مردم، به استناد اصل یکصد و چهل و دوم، دارای رهبر و هم چنین همسر و فرزندان وی توسط قوه ی قضاییه رسیدگی می شود و از این طریق نیز نظارت مالی صورت می پذیرد.

2. نظارت رهبری:

همان طور که ذکر شد ولایت فقیه مفهومی نهادینه شده در قانون اساسی ایران می باشد و شاید بتوان گفت زیر بنای اصلی نظام حقوقی ایران را تشکیل می دهد. بر همین اساس، نظارت ولی فقیه نظارتی جامع و فراگیر می باشد که جنبه های مختلفی را شامل می شود. ما در این جا نظارت رهبری را به چند بخش تقسیم کرده ایم:

2-1 قوای سه گانه: ماهیت نظارت بر سه قوه اعمال کننده ی حاکمیت ملی در اصل 57 قانون اساسی، نظارت شرعی و حقوقی است. نظارت شرعی به آن جهت است که فلسفه ی وجودی ولی فقیه در قانون اساسی، حفظ شرعیت نظام و اسلامیت حکومت براساس اصل پنجم قانون اساسی است. (عمیدزنجانی و موسی زاده، 1389، ص 107) به موجب اصل 57 قانون اساسی قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه ی مقننه، مجریه و قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه ی امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

قانون اساسی، نظارت ولی فقیه بر هر کدام از سه قوه را تعیین کرده است به طوری که نظارت بر قوه ی مقننه را از راه شورای نگهبان (اصل 94) و نظارت بر قوه ی مجریه را به صورت تنفیذ حکم ریاست جمهوری (اصل 110) و نظارت بر قوه ی قضاییه را با تعیین رئیس قوه ی قضاییه (اصل 110) پیش بینی کرده است.

نوع نظارت در اصل 57 نظارت حقوقی است و ترکیبی از نظارت اطلاعی و استصوابی خواهد بود، زیرا در هر کدام از سه قوه، عزل نیز منظور شده و عزل فقهای شورای نگهبان، عزل رئیس جمهور و عزل رئیس قوه ی قضاییه با مقام رهبری است. (عمیدزنجانی و موسی زاده، 1389، ص 108) البته مطابق اصل 60 قانون اساسی، بخشی از وظایف و مسؤولیت های قوه ی مجریه مستقیماً بر عهده ی رهبری است.

2-2 نهادهای خارج از قوای سه گانه:

2-2-1 بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی: در ساختار جمهوری اسلامی ایران علاوه بر مراکز و ادارات وابسته به قوه ی مجریه، دستگاه ها و نهادهایی وجود دارند که زیر نظر رهبری فعالیت می کنند. از جمله ی این نهادها عبارتند از: بنیاد جانبازان و ایثارگران، کمیته ی امداد امام خمینی، سازمان تبلیغات اسلامی و... مسولان عالی رتبه ی این نهادها توسط رهبر انتخاب می گردند و از این جهت تابع مقررات خاص نهادها می باشند و در برابر رهبر پاسخگو می باشند. (نجفی اسفاد و محسنی، 1386، ص 100)

2-2-2 مجمع تشخیص مصلحت نظام: مطابق اصل 112 قانون اساسی، این مجمع به دستور مقام رهبری تشکیل می شود و اعضای آن را هم مقام رهبری انتخاب می کند و در مقابل ایشان پاسخگو هستند.

2-2-3 شورای عالی امنیت ملی: گرچه از جهت اداری این شورا به ریاست رئیس جمهور تشکیل می گردد ولی براساس اصل 176 قانون اساسی مصوبات این شورا تنها پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا می باشد.

2-2-4 صدا و سیما: بنابر اصل 175 و 110 قانون اساسی نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما بر عهده ی مقام رهبری می باشد. اگرچه شورایی مرکب از نمایندگان سران سه قوه بر صدا و سیما نظارت دارند ولی از آن جا که مقام نصب کننده ی رئیس سازمان صدا و سیما مقام رهبری می باشد لذا علی الاصول وی نیز صرفاً در مقابل رهبری مسؤول و پاسخگو است و بر این اساس نظارت شورای مذکور در اصل 175 نیز حداکثر جنبه ی اطلاعی دارد نه استصوابی. (نجفی اسفاد و محسنی، 1386، ص 353)

علاوه بر این، براساس اصل 110 قانون اساسی نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام با مقام رهبری می باشد که از اهمیت فوق العاده ای در جهت پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی برخوردار است.

### 3. نظارت مجلس شورای اسلامی:

مجلس شورای اسلامی علاوه بر وضع قوانین، حق نظارت مستمر بر اجرای قوانین را بر عهده دارد تا تخلف از مقررات صورت نگیرد. (اصل 76) در همین راستا، اصل 84 قانون اساسی هر نماینده را در برابر تمام ملت مسؤول دانسته و حتی در این راه به نماینده مصونیت نیز داده است. این نکته مهم به نظر می رسد که اساساً فعالیت و اعتبار مجلس شورای اسلامی تا حد زیادی به اعمال نظارت در اجرای قوانین بستگی دارد زیرا علاوه بر تصویب قانون، اجرا و طرق اجرای آن نیز از اهمیت بالایی برخوردار می باشد. (فیضی، 1370، جلد 2، ص 199)

نظارت مجلس شورای اسلامی به چند بخش تقسیم می شود:

3-1-1 نظارت بر دولت: از آن جایی که در نظام حکومتی، مسائل اجرایی و امکانات لازم برای آن عمدتاً در دست قوه ی مجریه می باشد لذا اهتمام بیشتر در نظارت بر امور اجرایی متمرکز گردیده تا از خطر استبداد و تمرکز قدرت جلوگیری شود. نظارت مجلس بر دولت دارای چند مرحله می باشد:

3-1-1-1 نظارت مجلس در تشکیل دولت: بر اساس اصل 133 قانون اساسی، وزراء پس از تعیین شدن توسط رئیس جمهور، باید برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی شوند تا نمایندگان در مورد صلاحیت آن ها اظهار نظر نمایند.

3-1-2 نظارت بر اجرای قانون و مصوبات دولت: وظیفه ی اولیه ی مجلس شورای اسلامی وضع قانون است. قانونگذاری به نمایندگان مجلس شورای اسلامی امکان نظارت مستمر و همه جانبه را می دهد. اصولاً حدود اختیارات وزراء و دولت را قانون معین می کند. دولت در صورت اجرای ناقص یا عدم اجرای قوانین و یا عدم

اجرای قوانین مصوب مجلس باید پاسخگو باشد و نمایندگان می توانند از طرق قانونی که به آن ها پرداخته می شود دولت را مورد پرسش قرار دهد.

یکی از راهبردهای مهم قوه ی مجریه (دولت) تصویب قوانین عادی برای سازمان های اجرایی است. مجلس شورای اسلامی براساس اصل 138 قانون اساسی بر کار مصوبات دولت نظارت می کند. این نظارت توسط یک هیأت 9 نفره که زیر نظر ریاست مجلس است، انجام می گیرد. (میرمحمدی، 1377، ص 269)

3-1-3 سؤال و استیضاح: حق سؤال از حق قانونگذاری ناشی می شود. نماینده، هنگامی که به طرح یا لایحه ای رأی می دهد، حق دارد به دنبال آن از سرنوشت قانونی که به آن رأی داده آگاه شود. (عمیدزنجانی و موسی زاده، 1389، ص 95) هر یک از وزراء و رئیس جمهور در مقابل مجلس مسؤول هستند، (اصول 137 و 132) لذا نمایندگان مجلس می توانند آنان را مورد سؤال یا در موارد مهم مورد استیضاح قرار دهند. تشریفات سؤال و استیضاح از رئیس جمهور و وزراء در اصل های 88 و 89 قانون اساسی بیان شده است که به دلیل موضوع خاص این مقاله از شرح آن خودداری می کنیم. اما آن چه اهمیت دارد این است که سؤال و استیضاح از ابزار مهم سیاسی برای نظارت مجلس بر دولت است و کارایی بالایی در حسن اجرای امور توسط دولت دارد.

### 3-2 نظارت اطلاعاتی:

3-2-1 تحقیق و تفحص: مجلس نهادی است که با داشتن اطلاعات و اخبار و به کارگیری شیوه های خاص، همکاری قوای حاکم (به ویژه قوای مقننه و مجریه) تسهیل می گردد و زمینه را برای هرگونه نظارت سازنده فراهم می نماید. مبادله ی اطلاعات از طریق مجلس، نمایندگان را قادر می سازد تا به رسالت خود در جهت تضمین حقوق ملت و همچنین تنظیم عملکرد دولت، عمل نماید. (هاشمی، 1372، جلد 2، ص 220) حق تحقیق و تفحص یکی از حقوقی است که به مجلس شورای اسلامی جهت کسب اطلاع از روند عملکرد دستگاه های اداری و عمومی در تمام امور کشور داده شده است. اصل 76 قانون اساسی در این مورد تصریح دارد که: مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تخصص در تمام امور کشور را دارد.

اقدامات مجلس بیشتر جنبه ی سیاسی و اطلاعاتی دارد و اثر روانی بر جامعه و همچنین اثر توصیه و هشدار بر دستگاه های دولتی را به جا می گذارد. این اقدامات در مجموع می تواند اصلاح امور و امنیت خاطر افراد را تا حدود زیادی فراهم کند. (هاشمی، 1372، جلد 2، ص 223)

نکته ی دیگری که در این قسمت مهم است این است که موضوع تحقیق و تفحص در اصل 76 عام است و شامل کلیه ی بخش های کشور علاوه بر وزارتخانه ها و دولت می گردد مانند تحقیق و تفحص نسبت قوه قضاییه.(نجفی اسفاد ومحسنی،1386،صص23-22)

3-2-2 صلح دعاوی ( اصل 139 قانون اساسی)

3-2-3 رسیدگی به اتهام برخی از مجریان ( اصل 140 قانون اساسی)

3-2-4 ارسال تصویب نامه ها و آیین نامه های دولت برای رئیس مجلس ( اصل 138 قانون اساسی)

3-3 نظارت استصوابی: با وجود تفکیک قوا و جدا بودن وظایف قوه ی مقننه و مجریه، برخی از اعمال دولت به لحاظ حساسیت امر و برای رعایت احتیاط در جهت منافع جامعه تحت نظارت مجلس قرار می گیرد، بدین معنا که اعمال مورد نظر فقط با کسب اجازه ی قبلی و تصویب مجلس قابل اجراست. این اقدامات مشتمل است بر:

3-3-1 تصویب معاهدات و قراردادهای بین المللی ( اصول 152 و 153 قانون اساسی)

3-3-2 تصویب حالت فوق العاده و محدودیت های ضروری ( اصل 79 قانون اساسی)

3-3-3 قرض و استقراض و کمک بلا عوض دولت ( اصل 80 قانون اساسی)

3-3-4 استخدام کارشناسان خارجی ( اصل 82 قانون اساسی)

3-3-5 انتقال بناها و اموال دولتی ( اصل 83 قانون اساسی)

3-3-6 تصویب صلح دعاوی و یا ارجاع به داوری ( اصل 139 قانون اساسی)

3-3-7 ...

3-4 نظارت مالی ( دیوان محاسبات کشور): مجلس شورای اسلامی علاوه بر تصویب سالانه ی قانون بودجه ی کشور، نظارت بر اجرای آن را نیز عهده دارد. این نظارت از طریق دیوان محاسبات کشور صورت می گیرد.

این نظارت جهت اطمینان از اجرای دقیق و صحیح مصوبات بودجه می باشد. به موجب اصل 54 قانون اساسی دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی قرار دارد. براساس اصل 55 قانون اساسی دیوان به کلیه ی حساب های وزارتخانه ها، مؤسسات، شرکت های دولتی و دیگر دستگاه هایی که به

نحوی از بودجه ی کل کشور استفاده می کنند و به ترتیبی که قانون مقرر می دارد رسیدگی یا حسابرسی می نماید.

دیوان در انجام وظایف خود از طریق تحقیق و تفحص و تماس با تمام مقامات و قوای سه گانه اقدام می نماید و همه ساله سازمان ها بدون استثنا موظف به دادن اطلاعات و پاسخگویی مستقیم به این دیوان می باشند. (میرمحمدی، 1377، ص 275) وظایف دیوان به این شرح است:

3-4-1 جمع آوری اسناد و مدارک و حساب ها

3-4-2 رسیدگی و حسابرسی هزینه ها و تطبیق آن ها با اعتبارات

3-4-3 ارائه گزارش تفریغ به انضمام نظرات خود به مجلس

3-4-4 اعلام جرائم و تخلفات به مراجع قضایی. (نجفی اسفاد و محسنی، 1386، 232)

هدف اصلی دیوان محاسبات اعمال کنترل و نظارت مستمر مالی به منظور پاسداری از بیت المال و اموال عمومی است (قانون دیوان محاسبات کشور)

4. نظارت شورای نگهبان:

براساس اصل 91 قانون اساسی، شورای نگهبان متشکل از 6 نفر حقوقدان و 6 فقیه، وظیفه ی پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی را بر عهده دارد. این شورا یکی از بازوهای نظارتی اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. این نظارت به چند صورت انجام می پذیرد:

4-1 نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی: به موجب اصل 94 قانون اساسی، کلیه ی مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. از مهمترین وظایف شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس تشخیص عدم مغایرت آن ها با احکام شرع و قانون اساسی می باشد. اعتبار مصوبات مجلس و لازم الاتباع شدن آن به عنوان قانون هنگامی است که تایید شورای نگهبان را به همراه داشته باشد، بنابراین شورای نگهبان نسبت به قوانین در حال تصویب نظارت استصوابی دارد. (نجفی اسفاد و محسنی ، 1386 ، ص 237) این نظارت به موجب اصل 4 قانون اساسی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

4-2 نظارت بر انتخابات: یکی از مهم ترین ابعاد نظارتی شورای نگهبان، نظارت بر انتخابات است. به موجب اصل 99 قانون اساسی شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد. هم چنین تایید صلاحیت کاندیدای ریاست جمهوری، مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی به عهده ی شورای نگهبان است (وفادار، 1382،

صص 531-535) منظور قانونگذار از نظارت [ شورای نگهبان ] همان نظارت به معنی استصوابی است و بدون موافقت شورای نگهبان انتخابات مخدوش خواهد بود. (عمیدزنجانی، 1387، ج 1، ص 417)

## 5. نظارت قوه ی قضاییه:

از اهم وظایف قوه قضاییه نظارت بر اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری و اجرایی و قضایی کشور است. منظور از نظارت های قضایی تنها نظارت هایی نیست که دارای ماهیت قضایی بوده و بر اساس آیین دادرسی حل و فصل می شوند بلکه به طور کلی نظارت هایی مد نظر است که توسط قوه قضاییه به صورت قضایی و غیر قضایی انجام می شوند و بالقوه قضایی هستند. (عمیدزنجانی، 1387، جلد 1، ص 417) نظارت بر حسن اجرای قوانین توسط قوه قضاییه در قالب چند نهاد صورت می گیرد:

5-1 دیوان عالی کشور: به موجب اصل 161 قانون اساسی نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم بر عهده ی دیوان عالی کشور است. با توجه به این اصل دیوان عالی کشور ناظر بر دیگر دادگاه ها و در واقع عالی ترین مرجع قضایی کشور پس از رئیس قوه ی قضاییه می باشد. دیوان عالی کشور طبق اصل مذکور باید نسبت به مراحل رسیدگی محاکم و احکامی که صادر می کنند نظارت داشته باشد. این نظارت وقتی صورت می گیرد که تمامی احکام صادره مورد بازرسی دیوان قرار گیرد. ایجاد وحدت رویه ی قضایی از اهم مسائلی است که کمک شایانی به نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم توسط دیوان عالی کشور می کند. هم چنین براساس بند 10 اصل 110 قانون اساسی مرجع صالح برای رسیدگی به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی وی، دیوان عالی کشور می باشد. در صورتی که تخلف رئیس جمهور برای دیوان احراز شود، حکم صادره را برای عزل رئیس جمهور به رهبری ابلاغ می کند.

5-2 دیوان عدالت اداری: قانون اساسی ایران تشکیلات معینی را برای رسیدگی و احقاق حقوق افراد در برابر دستگاه های اداری ترسیم نموده است. از شیوه های نظارت غیرمستقیم قوه ی قضاییه بر قوه ی مجریه و سایر نهادهای جمهوری اسلامی، نظارت دیوان عدالت اداری می باشد. اصل 170 قانون اساسی، قضات را موظف به عدم اجرای آیین نامه ها و تصویب نامه های خلاف مقررات اسلامی می کند و ابطال این آیین نامه ها و تصویب نامه ها را منحصرآ وظیفه ی دیوان عدالت اداری می داند. اصل 173 قانون اساسی تصریح می دارد: به منظور رسیدگی به شکایات، تلظمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحد ها یا آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آن ها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضاییه تأسیس می گردد. نکته ی مهم این است که رسیدگی دیوان، مسبوق به شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی است و شکایات و اعتراضات واحد های دولتی در هیچ مورد قابل طرح و رسیدگی در شعب دیوان نیست (راسخ، 1388، ص 127)

5-3 سازمان بازرسی کل کشور: از اهم وظایف قوه ی قضائیه نظارت بر اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری و اجرایی و قضایی کشور است. این مسؤولیت به طرق مختلف مورد پیش بینی قرار گرفته است. علاوه بر دیوان عالی کشور که مأمور نظارت بر اجرای قوانین در محاکم قضایی است، تاسیس سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر قوه قضائیه جهت بازرسی و نظارت بر نظام اداری کشور در اصل 174 قانون اساسی در نظر گرفته شده است. این اصل تصریح می کند که: براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری، سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه ی قضائیه تشکیل می گردد. براساس ماده ی 2 قانون تشکیل سازمان بازرسی، وظایف این سازمان به شرح زیر است:

5-3-1 بازرسی مستمر کلیه ی وزارتخانه ها و ادارات

5-3-2 انجام بازرسی فوق العاده

5-3-3 اعلام موارد تخلف و سوء جریانات اداری و مالی

6. نظارت قوه ی مجریه:

با وجود نظارت بر قوه ی مجریه از طریق نهاد رهبری، قوه ی مقننه و قوه ی قضائیه، خود این قوه نیز سازوکارهایی برای نظارت بر سازمان ها و کارمندان تحت امور خود دارد. در قانون اساسی و دیگر قوانین، مسؤولیت هایی برای رئیس جمهور، هیأت وزیران، وزیر و بالاترین مقام هر سازمان در نظر گرفته شده است که گستردگی این حوزه ها و مسؤولیت ها، نظارت درون سازمانی دقیقی را می طلبد. بعضی از این نظارت ها به این شرح است:

6-1 نظارت رئیس جمهور بر اجرای قانون اساسی: به موجب اصل 113 قانون اساسی، رئیس جمهور مسؤول اجرای قانون اساسی می باشد. حق نظارت مقام رهبری بر اجرای قانون اساسی نیز با این مسؤولیت رئیس جمهور منافات ندارد. اما نکته ی حائز اهمیت این است که نهایت برداشت از اصل 113 قانون اساسی این است که رئیس جمهور مسؤولیت اجرای قانون اساسی در قوه ی مجریه و در محدوده ی ریاست خود را داراست و نه نسبت به سایر قوا (نجفی اسفاد و محسنی، 1386، ص 316)

6-2 نظارت رئیس جمهور بر هیأت وزیران: بر طبق اصل 134 قانون اساسی رئیس جمهور، ریاست هیأت وزیران را بر عهده دارد و به همین جهت او در برابر مجلس مسؤول اقدامات جمعی وزیران می باشد. وزیران، منصوب رئیس جمهور و مورد تایید مجلس می باشند. به اعتبار این انتصاب و تایید، در مقابل آن ها نیز مسؤول و پاسخگو هستند. ( اصل 137 قانون اساسی)



ضرورت حسن خدمت و وظیفه از طرف وزیران، به رئیس جمهور این حق را می دهد که به موجب قانون اساسی بر تمامی مراحل و جزئیات کار آن ها نظارت نماید. اصل 126 قانون اساسی با تصریح به این که رئیس جمهور مسؤولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی را مستقیماً بر عهده دارد، در واقع قسمت قابل توجهی از ابزار نظارت را در اختیار وی قرار داده است. علاوه بر آن، حق نظارت رئیس جمهور بر کار وزیران، زمینه ی این امکان را برای او فراهم می سازد تا به هر طریق مقتضی و ممکن اعمال نظارت نماید (هاشمی، 1372، جلد 2، ص 397)

3-6 نظارت وزراء: به موجب اصل 137 قانون اساسی "هر یک از وزیران مسؤول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می رسد، مسئول اعمال دیگران نیز هست." مسئولیت فردی و جمعی وزیران لازمه ی حق نظارت سیاسی مجلس بر کار قوه ی مجریه می باشد. به همین اعتبار وزرا مسئولیت سیاسی و اداری در برابر رئیس جمهور دارند و به او پاسخگو هستند. این نوع مسئولیت های وزرا اقتضا می کند که بر دستگاه های تحت امر خود نظارت کامل داشته باشند. نظارت وزرا دو مقوله ی مهم دارد:

1-3-6 نظارت ارشادی یا پیشگیری: وزیر مکلف است مامورین وزارتخانه ها را در انجام وظایف خود راهنمایی نماید تا مرتکب اشتباه یا اعمال خلاف قانون نشوند.

2-3-6 نظارت تعقیبی: وزیر می تواند در صورتی که اعمال ماموران خلاف مقررات و مصالح باشد نسبت به ابطال یا اصلاح آن اقدامات، دستور دهد. (مؤتمنی طباطبایی، 1373، صص 45-48)

نظارت درونی قوه ی مجریه به طرق دیگر نیز صورت می گیرد که گرچه در قانون اساسی نیامده، ولی در قوانین مربوط به سازمان های مختلف به آن ها اشاره شده است از جمله نظارت سازمان حسابرسی، هیات های رسیدگی به تخلفات اداری و ...

### نتیجه گیری:

تطبيق مقوله ی نظارت در فقه سیاسی شیعه و حقوق اساسی ایران که زیر بنای اصلی آن نیز همان فقه و احکام اسلام می باشد، زمینه ساز شکل گیری یک نظام جامع نظارتی در کشور می باشد که حل بسیاری از معضلات و تخلفات اداری و سازمانی در گرو آن می باشد. نظارت مقوله ی مهم، جامع و فراگیر می باشد که اجرای صحیح آن سالم سازی جریان قدرت و حکومت را در پی دارد. در این راستا افزایش سطح آگاهی مردم در خصوص حقوق خود و هم چنین وظایف مجریان بسیار راهگشا خواهد بود. چرا که مردم ناظران اصلی مسئولین و ارزیاب آن ها خواهند بود. شکل گیری موسسات و نهادهای مردمی و غیر دولتی و

بسترسازی قانونی برای آن‌ها با هدف نظارت بر دولت و احقاق حقوق ارباب رجوع زمینه را برای این امر محقق می‌کند. مردم بازوی نظارتی نیرومندی هستند که کسی توان قطع آن را ندارد. توسعه‌ی مقوله‌ی نظارت در عمل نیز یکی دیگر از ظرفیت‌های نظارتی است که باید مورد اهتمام قرار گیرد.

نظام حکومتی شیعه برای افزایش کارآمدی خود نیاز به این دو مقوله‌ی نظارتی یعنی مردمی کردن و هم‌چنین عملی و کاربردی کردن آن دارد. امید است چشم‌های بصیر و وجدان‌های بیدار اعمال کارگزاران را به دقت رصد و برای حسن اجرای آن توسط آن‌ها تلاش نمایند.

## منابع و مآخذ

1. نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، 1371.
2. ایزدهی، سید سجاد، نظارت بر قدرت در فقه سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، 1387.
3. عمید زنجانی و موسی زاده، ابراهیم، نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1389.
4. عمید زنجانی، فقه سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1387، جلد 1.
5. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهاد های سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1385.
6. قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1386.
7. راسخ، محمد، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، انتشارات دراک، تهران، 1388.
8. فیضی، طاهره، مبانی مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، 1370، جلد 2.
9. میرمحمدی، سید محمد، طراحی ساختار مطلوب نظارت در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران، رساله‌ی دکترای، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1377.
10. مؤتمنی طباطبایی، منوچهر، حقوق اداری ایران، انتشارات سمت، تهران، 1373.
11. نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، فردا، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران، 1386.
12. وفادار، علی، حقوق اساسی و تحولات سیاسی، انتشارات وفادار، تهران، 1382.

13. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، 1372، جلد 2.